

طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران

سیدمهدی حسینی مدرس*
عصمت گلشنی**

تاریخ وصول: ۹۲/۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۹

چکیده:

سه طریقه اجرای اجباری عین تعهد، فسخ و پرداخت خسارت در خصوص ضمانت اجرای نقض تعهدات قراردادی در بین نظام‌های حقوقی مشترک است هر چند تقدّم و تأخر این طرق جبرانی در هر نظامی با دیگری متفاوت است. در حقوق انگلستان چهار نوع خسارت برای نقض تعهدات قراردادی پیش‌بینی شده‌است: خسارت جبرانی یا ترمیمی، خسارت استرداد یا اعاده‌ای، خسارت اسمی و خسارت تنبیهی. خسارت ترمیمی با دو ضابطه خسارت متوقع و خسارت اتکایی ارزیابی می‌گردد. خسارت معنوی نیز در دسته خسارت‌های جبرانی قرار می‌گیرد لیکن قواعد مخصوص به خود را دارد. در حقوق ایران، قانون برخی شرایط، موانع و اشکال دریافت خسارت را به اجمال بیان کرده است. مواردی از قبیل ضرر رسیدن، وجود رابطه سببیت، قطعیت، قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن به عنوان دیگر شرایط دخیل در ایجاد حق مطالبه خسارت توسط نظریه حقوقی مطرح شده‌است. مسائل کاربردی از قبیل ضابطه ارزیابی جبران خسارت نیز جایگاه خاصی در نظام حقوقی ایران ندارد. محدودیت‌های مطالبه خسارت شامل بعید بودن، نظریه تخفیف، مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان و قوه قاهره در حقوق انگلستان مطرح شده، و برای شناسایی هر کدام معیارها و ضوابط ارزیابی تدوین شده‌است؛ در نظام حقوقی ایران قوه قاهره به صراحت در قانون مطرح شده و سایر موارد نیز به صورت موردی و بیشتر در نظریه حقوقی مطرح شده‌اند. بیان ناقص و پراکنده مقررات مربوط به طریقه جبرانی پرداخت خسارت در حقوق ایران و نیز ضرورت دستیابی به نظامی جامع در این خصوص با بهره‌گیری از تجارب تئوریک و عملی حقوق انگلستان، ضرورت اصلی انجام پژوهش حاضر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جبران خسارت، نقض قرارداد، خسارت جبرانی، خسارت متوقع، خسارت اتکایی

مقدمه

ضرر یا خسارت، به هرگونه صدمه به جان، مال یا وضعیت اقتصادی شخص مدعی گفته می‌شود. خسارت به مال، ضرر یا خرابی شیء معین را در بر می‌گیرد. در حالیکه صدمه به وضعیت اقتصادی مدعی، شامل بدتر شدن وضعیت کلی اقتصادی مدعی نسبت به حالت اجرای قرارداد است؛ مثل خسارت نداشتن کالا در صورت عدم تحویل کالا یا نداشتن کالا در زمان توافق شده در صورت عدم تحویل به موقع یا نپرداختن پول در سر موعد و... (نقض قرارداد) (Treitel, 2003:932). بطور سنتی و بر اساس قواعد کامن‌لا، پرداخت خسارت در حقوق انگلستان، بر خلاف کشورهای دارای نظام حقوقی مدون به عنوان طریق جبرانی اولیه مطرح بوده است؛ قضات دادگاه‌های کامن‌لا پذیرفته بودند که پول همیشه می‌تواند معادل هر چیزی باشد که درباره آن تعهد شده است؛ اما با شروع به کار دادگاه‌های انصاف، اجرای اجباری عین تعهد^۱ نیز محتاطانه مطرح شد و با کنار هم قرار دادن قواعد کامن‌لا (به معنای اخص) و قواعد انصاف، به عنوان یک طریق جبران خسارت استثنایی پذیرفته شد. به این معنا که تنها در صورتی که پرداخت خسارت‌ها کافی نباشد امکان توسل به طریق جبرانی اجرای اجباری عین تعهد وجود دارد. به دلیل همین اولیه و اصلی بودن طریق جبرانی پرداخت خسارت در انگلستان، نظام حقوقی این کشور جوانب مختلف مسئله خسارت را بسیار دقیق‌تر از سایر نظام‌ها مورد توجه قرار داده است. در مقام مقایسه در حقوق ایران، با توجه به اصولی مثل اصل لزوم قراردادهای و تأثیر پذیری از قواعد فقهی مشهوری که التزام ناشی از قرارداد را در اجرای عین تعهد می‌داند و به مستنداتی مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «المؤمنون عند شروطهم» اشاره دارند، می‌توان گفت اجرای اجباری عین تعهد راه حل اولیه در جبران نقض تعهدات قراردادی است، یعنی تنها زمانی می‌توان به سایر طرق جبرانی متوسل شد که اجرای اجباری غیر ممکن باشد، یا فایده‌ای نداشته باشد. اولیه بودن راه حل اجرای اجباری از مواد زیر به خوبی پیداست:

ماده ۳۷۶ ق.م: «در صورت تأخیر در تسلیم مبیع یا ثمن، متمتع اجبار به تسلیم می‌شود». ماده ۴۷۶ ق.م: «موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار مستأجر خیار فسخ دارد». ماده ۳۹۵ ق.م: «اگر مشتری ثمن را در موعد مقرر تأدیه نکند، بایع حق خواهد داشت که بر طبق مقررات راجع به خیار تأخیر ثمن

معامله را فسخ یا از حاکم اجبار مشتری را به تأدیه ثمن بخواهد». ماده ۴۹۲ ق.م: «اگر مستأجر عین مستأجره را در غیر موردی که در اجاره ذکر شده باشد یا از اوضاع و احوال استنباط می‌شود استعمال کند و منع آن ممکن نباشد موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت».

از ملاک ماده ۲۳۷ ق.م در خصوص شروط هم می‌توان در مورد نقض تعهدات اصلی قراردادی استفاده کرد؛ در این ماده آمده است: «هرگاه شرط ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً، کسی که ملتزم به انجام شرط شده است، باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده و تقاضای اجبار به وفاء شرط بنماید».

انواع جبران خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان چهار نوع (یا مدل) جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی پیش‌بینی شده است. این چهار نوع را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: در گروه اول مواردی قرار دارد که معیار جبران خسارت در آن‌ها، زیان واقعی زیان‌دیده هست و در گروه دوم معیار جبران خسارت، زیان وارده به زیان‌دیده نمی‌باشد. خسارت جبرانی یا ترمیمی در گروه اول و خسارت اعاده‌ای، اسمی و تنبیهی در گروه دوم قرار می‌گیرند.

خسارت جبرانی یا ترمیمی

هدف خسارت جبرانی یا ترمیمی^۳ خسارت، جبران ضرر زیان‌دیده از نقض قرارداد است. به همین دلیل، خسارت جبرانی مهمترین و متداول‌ترین شکل رأی به خسارت هستند؛ از این رو خسارت ترمیمی قاعده کلی و مبنایی جبران خسارت در حقوق انگلستان به شمار می‌رود.^۴ یکی از نتایج ترمیمی بودن خسارت‌ها این است که مبنای دریافت خسارت، ضرر رسیدن به خواهان است نه سودی که خواننده دریافت کرده است. این قاعده استثنای بسیاری دارد: صرف نظر از خسارت‌هایی که اهدافی غیر از ترمیمی دارند (خسارات اسمی، تنبیهی و اعاده‌ای) نویسندگان حقوقی انگلستان موارد دیگری را نیز ذکر کرده‌اند که در آن‌ها مبنای پرداخت خسارت، ضرر وارده شده خواهان نیست، مانند نقض قرارداد استخدام (Treitel, 2003: 927). در چنین حالتی ممکن است کارمند با استخدام در مؤسسه‌ای بهتر،

3. Compensatory Damages
4. Restituito in Integrum or Full Restitution.

1. Primary Remedy
2. Specific Performance

در صورتی قابل جبران است که در محدوده پیش بینی و انتظارات متوقع طرفین قرارداد باشند یعنی خیلی بعید نباشند؛ به عنوان مثال، فرض کنید شخصی گاوی را با تضمین سلامتی آن می فروشد اما گاو مریض می شود و تمام گله خریدار را نیز بیمار می کند؛ در صورتی که چنین نتیجه ای برای طرفین قرارداد فروش، قابل پیش بینی بوده باشد، فروشنده مسئول تمام خسارات وارده به مشتری خواهد بود.

برای مثال اگر شخصی دستگاهی داشته باشد که نیازمند تعمیر است و برای این کار دستگاه را برای تعمیر به شخص دیگری بدهد و از او بخواهد که در روز خاصی آن را تحویل بدهد، چرا که اگر این طور نشود او ضرر خواهد کرد، در صورتی که تعمیرکار به موقع دستگاه را تحویل ندهد، باید خسارات ناشی از از دست رفتن منافع را بپردازد، چرا که اگر او به تعهدش عمل می کرد، خواهان منتفع می شد.

دو روش برای محاسبه خسارت متوقع به کار می رود: در روش اول که بیشتر در اجرای معیوب یا ناقصی که مطلوبیت جزئی داشته باشد به کار می رود، تفاوت ارزش، بین اجرایی که در قرارداد، در مورد آن توافق شده و اجرایی که توسط متعهدله دریافت شده، به عنوان خسارت مورد حکم قرار گیرد.

روش دوم در جایی که تعهد از اساس اجرا نشده باشد یا اجرا به نحوی معیوب یا ناقص باشد که هیچ گونه مطلوبیتی برای زیان دیده نداشته باشد به کار می رود. در این حالت میزانی از غرامت به مدعی پرداخت می شود که برای به دست آوردن اجرای جایگزین لازم و ضروری است.

خسارت اتکایی

در خسارت اتکایی^۴، به زیان دیده برای صدمه ای که از اتکا و اعتماد وی به انجام قرارداد از سوی متعهد وارد آمده است، جبران ضرر پرداخت خواهد شد؛ در واقع، در قرارداد ممکن است خواهان با اعتماد به تعهد خواننده وضعیت خود را تغییر دهد. برای مثال خریدار یک قطعه زمین ممکن است هزینه هایی را در خصوص تحقیق و بررسی مالکیت خواهان متحمل شده باشد (هزینه های مربوط به استعلامات) یا اینکه فرصت هایش برای انعقاد سایر قراردادهای احتمالاً سودآور را نادیده گرفته باشد؛ یا بازرگانی برای انجام قراردادی وام گرفته باشد یا تأسیساتی را ایجاد کرده باشد؛ لذا خواننده در صورت نقض قرارداد باید این گونه ضررها را که ناشی از اتکا و اعتماد به تعهدات وی بوده است، جبران نماید.

در عمل زبانی نبیند و از سوی دیگر کارفرمای وی نیز در عمل با این نقض سودی نکرده باشد. در چنین حالتی، خسارتی که ممکن است دریافت شود در زیر مجموعه هیچ یک از انواع گفته شده قرار نمی گیرد. برای ارزیابی خسارت ترمیمی در حقوق انگلستان، دو ضابطه خسارت متوقع و خسارت اتکایی بیان شده است. در کنار این دو ضابطه، باید وضعیت ویژه خسارت معنوی، از منظر نحوه ارزیابی خسارت ترمیمی نیز بررسی گردد.

خسارت متوقع

منظور از خسارت متوقع^۱، پاسخگویی به توقع و انتظاری است که قرارداد برای متعهدله (زیان دیده فعلی) ایجاد کرده است؛ به عبارت دیگر، در این نوع حکم به خسارت، در مورد مقداری از غرامت حکم صادر می شود که جوابگوی انتظارات متعهدله - در صورتی که تعهدات قراردادی کامل و به موقع اجرا می شد - باشد. در واقع خسارت متوقع، مبنایی مانند هدف جبران خسارت در مسئولیت های غیر قراردادی دارد (Stone, 2003: 211). همان گونه که هدف از مسئولیت های غیر قراردادی قرار دادن زیان دیده در وضعیتی است که انگار فعل زیانبار انجام نشده است، هدف از این نوع خسارت ترمیمی هم، قراردادن زیان دیده در وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می شد زیان دیده در آن موقعیت قرار می گرفت. متداول ترین نوع از میان ضابطه های خسارت ترمیمی، خسارت متوقع است.

خسارات متوقع در وهله اول اصل زیان شده را شامل می شود؛ اما علاوه بر آن، موارد دیگری را نیز در بر می گیرد که عبارتند از:

خسارات جنبی^۲؛ شامل خسارت هایی است که شخص در حد متعارف متحمل شده، تا جلوی زیان های بیشتر را بگیرد یا برای تهیه اجرای جایگزین یا بازگرداندن کالای معیوب هزینه کرده است (Treitel, 2003: 943).

خسارات غیر مستقیم یا باواسطه^۳، خسارت هایی هستند که به سبب نقض قرارداد به وجود می آیند، اما نمی توان آن ها را در گروه هزینه ها (خسارات اتکایی) قرار داد؛ عدم النفع و مواردی مثل پذیرفتن تعهد با اشخاص ثالث یا صدمات اضافه، مثل صدمات بدنی یا خسارت به اموال به دلیل معیوب بودن کالای تحویلی در این دسته جای می گیرند. البته این خسارت ها

۱. واژه Expectation Damages اولین بار در نظریه حقوقی توسط فولر و پردیو استفاده شده است. (Fuller & Perdue, 1936: 373) پروفیسور فریدمن عبارت Performance Damages را به واژه به کار برده شده توسط فولر و پردیو ترجیح داده است. (Friedmann, 1995)

2. Incidental Loss
3. Consequential Loss

هدف از این نوع خسارت ترمیمی، قراردادان زیان دیده در وضعیتی است که قبل از انعقاد قرارداد و اتکا به تعهدات طرف مقابل داشته است. در مفهوم حقوق تعهدات، خسارات اتکایی منافی هستند که به دلیل اتکا به تعهدات خواننده از دست رفته است و باید وضع زیان دیده را به حالتی اعاده کرد که گویی از اساس قراردادی منعقد نشده است (Geoffrey, 2001: 204).

سؤالی که در این مرحله باید به آن پاسخ داده شود این است که اجزای خسارت اتکایی چیست و چه هزینه‌ها و زیان‌هایی با این معیار قابل دریافت است؟ خسارات اتکایی از سه جز تشکیل می‌شود. جزء اول هزینه‌هایی است که زیان دیده بعد از انعقاد قرارداد با اعتماد به انجام تعهد متحمل می‌شود؛ این جز بدون شک وصول شدنی است.

جزء دوم هزینه‌هایی است که متعهدله پیش از انعقاد قرارداد متحمل شده است؛ چنین هزینه‌هایی در مفهوم دقیق اتکا نمی‌گنجد؛ زیرا در زمان انجام این هزینه هنوز تعهدی منعقد نشده بود. لیکن نظام حقوقی انگلستان مفهومی وسیعی از اتکا را در این ضابطه اعمال می‌کند، به طوری که اگر دعوی جبران خسارت نقض قراردادی با ضابطه خسارت اتکایی مطرح شود، حتماً دریافت خسارت پیش قراردادی ناشی از اتکا مجاز می‌باشد. در پرونده تلویزیون آنجلیا علیه آقای رید^۱ این مسئله بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت.

این پرونده مربوط به یک شرکت تلویزیونی با مسئولیت محدود بود که در سال ۱۹۶۸ برای تهیه یک فیلم تلویزیونی به نام «مرد جنگل» تصمیم گرفت. برای ساخت این فیلم، شرکت مقدمات لازم را فراهم نمود؛ مکانی را برای فیلم تدارک دید؛ کارگردان، طراح و مدیر صحنه استخدام شدند و مبالغ زیادی هزینه گردید. همه این موارد قبل از این بود که آن‌ها یک هنر پیشه نقش اول استخدام کنند. آقای رابرت رید کسی بود که برای این نقش انتخاب شد. در یک ارتباط تلفنی در ۳۰ آگوست ۱۹۶۸ آقای رید -که آمریکایی- بود از طریق نماینده‌اش توافق کرد که برای تمرین و بازی در فیلم به انگلستان برود، اما به دلیل برنامه ریزی نامناسب، مشخص شد که وی قبل از آن در آمریکا برای بازی در نقش دیگری قرارداد بسته است و بنابراین نمی‌توانست به انگلستان برود. این موضوع باعث توقف کار فیلم سازی و مرخص کردن کسانی شد که استخدام شده بودند و این امر خسارات بسیاری را متوجه شرکت تلویزیونی کرد، از جمله حق الزحمه کارگردان، طراح، مدیر صحنه و دستیار صحنه. در جریان دعوی اقامه شده از سوی شرکت تلویزیونی، مشاور آقای رید اعلام کرد که طرف مقابل فقط حق دریافت هزینه‌هایی را دارد که بعد از انعقاد قرارداد با آقای

رید متحمل شده است، نه حق دریافت هزینه‌های قبل از قرارداد (هزینه‌های پیش قراردادی). اما قاضی دادگاه این مجادله را رد کرد و آقای رید را به پرداخت کلیه خسارت‌ها محکوم نمود.

جزء سوم خسارت‌های ناشی از، از دست دادن فرصت برای انعقاد سایر قراردادها است. در خصوص دریافت این جزء از خسارت اتکایی بیشترین اختلاف نظر وجود دارد. در حال حاضر یک مفهوم موسع از منافع اتکایی مورد پذیرش صاحب نظران قرار گرفته است که شامل این جزء هم می‌شود (Geoffrey, 2001: 199).

در انتخاب هر یک از دو ضابطه خسارت متوقع و خسارت اتکایی، مدعی حق انتخاب دارد؛ با این حال در مواردی دادگاه ممکن است تشخیص دهد که ضابطه خاصی مناسب‌تر است. حال سؤال این است که چه زمانی زیان دیده برای اقامه دعوا جهت دریافت خسارات اتکایی تمایل دارد؟ در پاسخ می‌توان دو وضعیت را متصور شد:

اول- در حالتی که او نتواند سود احتمالی خود از اجرای قرارداد یا همان خسارات مورد انتظار را اثبات کند. مثال مناسب برای این مورد، معاملاتی است که وضعیت بسیار احتمالی دارند.^۲ یا معاملاتی که از اساس امکان تعیین خسارت‌ها متوقع در آن‌ها وجود نداشته باشد.^۳

دوم- در جایی که زیان دیده (متعهدله) به دریافت خسارت درباره هزینه‌های پیش قراردادی تمایل دارد. گرچه اصولاً باید بین خسارات متوقع و اتکایی انتخاب صورت گیرد، اما در شرایط خاصی امکان مطالبه هر دو خسارت بدون این که منجر به «جبران خسارت مضاعف» شود^۴ وجود دارد. به عبارت دیگر، جمع بین این دو ضابطه ممکن است. این قاعده در پرونده ناتون علیه اکلان^۵ تأیید شده است. پرونده در مورد اسب مسابقه‌ای بود که مطابق با شرایط توافق شده تحویل نشده بود؛ خریدار تفاوت ارزش دو اسب را به عنوان خسارات متوقع و هزینه‌های تعلیم و اصطبل را به عنوان خسارت‌ها اتکایی دریافت کرد.

البته به این نکته هم باید توجه داشت که اگر در محاسبه خسارت متوقع سود خالص^۶ مطالبه شود، می‌توان همراه با آن تقاضای خسارت اتکایی نیز نمود و این دو را با هم جمع کرد،

۲. برای مثال مراجعه کنید به پرونده:

McRae v Commonwealth Disposals Commission (1951) 84 CLR 377

۳. برای مثال مراجعه کنید به پرونده:

Blackpool Fylde Aero Club Ltd v Blackpool BC, [1991] WLR 1195

4. Double Recovery

5. Naughton v O'Callaghan [1990] 3 All ER 191

۶. (Net Profit): سود به دست آمده پس از کسر هزینه‌هایی که برای بدست آمدن این سود انجام شده است.

1. Anglia Television Ltd. v. Reed, [1971] 3 All E.R. 690

نیست و استثنای آن موردی است که موضوع اصلی قرارداد فراهم کردن تفریح و آسایش روحی یا رها شدن از یک اندوه باشد و این نتیجه (موضوع قرارداد) حاصل نشده باشد و یا نتیجه معکوسی به جای آن حاصل شود. در این موارد برای جبران چنین خسارت‌هایی حکم صادر شده است.

پرونده دیگر در مورد خسارات غیر مالی غیر فیزیکی پرونده فارلی علیه اسکینر^۹ است. در این پرونده خواهان، خواننده را به عنوان ممیز و ارزیاب استخدام کرده بود تا مطلوبیت اقامتگاه ویلاقی را که در نظر داشت آن را برای استراحت آخر هفته‌های خود خریداری کند، بررسی نماید. با توجه به اینکه آن ملک در ۱۵ مایلی فرودگاه گیتویک^{۱۰} واقع شده بود، خواهان به صراحت از خواننده خواسته بود که در خصوص مشکل‌زا بودن صدای هواپیماها گزارش دهد. خواننده این کار را انجام داد و گزارش داد که غیر محتمل است صدا در استفاده بهینه از مکان خللی ایجاد کند، گرچه بعضی از هواپیماها به دلیل جهت باد و مسیر پرواز به ناچار در منطقه عبور و مرور می‌کنند. خواهان ملک را خریداری کرد و پس از هزینه کردن بیش از ۱۰۰۰ پوند برای تعمیرات، متوجه شد صدای هواپیماها برای انتفاع او از خانه مشکل ایجاد کند؛ لذا به برای دریافت خسارت علیه خواننده اقامه دعوا کرد و مدعی شد که خواننده در انجام تعهداتش به موجب قرارداد مسامحه و غفلت کرده است. دادگاه به دریافت خسارتی ۱۰ هزار پوندی به نفع خواهان برای ناراحتی و پریشانی که به دلیل صدای هواپیماها برای او ایجاد شده بود- حکم داد. خواننده در دادگاه تجدیدنظر مدعی شد که موضوع قرارداد بین طرفین فراهم کردن لذت یا رهایی بخشیدن از استرس نبوده است، بنابراین خسارت غیر مالی قابل دریافت نیست. و تنها خسارت اسمی برای نقض قرارداد قابل پرداخت است. در نهایت مجلس اعیان با نقض حکم دادگاه تجدیدنظر، حق دریافت خسارت غیرمالی غیر فیزیکی را پذیرفت.

خسارت استرداد یا اعاده‌ای^{۱۱}

در این نوع خسارت، زیان زنده هر سود را که به سبب نقض تعهدات بدست آورده است، مسترد می‌کند. مبنای خسارت اعاده‌ای جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه^{۱۲} متعهد ناقض است نه زبانی که بالفعل به متعهدله وارد شده است. اهمیت جایگاه اقامه دعوا بر اساس خسارت استرداد را می‌توان با یک مثال به خوبی نشان داد:

9. Farley v Skinner [2001] UKHL 49; [2002] 2 AC 732
10. Gatwick
11. Restitution Interest
12. Unjust Enrichment

لیکن اگر در محاسبه خسارت متوقع سود ناخالص^۱ منظور گردد، نمی‌توان در کنار آن درخواست خسارت منافع اتکایی را نیز مطرح کرد (Stone, 2002: 436).

پرونده‌های معروف چاپلین علیه هیکز در سال ۱۹۱۱^۲ و آلید مپلس گروپ ال تی دی علیه سیمونز و سیمونز در سال ۱۹۹۵^۳ از پرونده‌های مهم در خصوص شرایط، اجزا و اعمال قاعده خسارت‌ها اتکایی در جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد هستند.

خسارات غیرمادی یا معنوی^۴

نکته‌ای که در انتهای بحث خسارات جبرانی باید بدان پرداخته شود این است که آیا خسارات غیر مالی ناشی از نقض تعهدات نیز قابل دریافت و جبران است یا خیر؟ ابتدا باید بین این دو نوع زیان تفاوت قائل شد: زیان‌های غیرمادی فیزیکی و زیان‌های غیرمادی Compensatory Damages غیر فیزیکی، مانند پریشانی و اندوه وارده ناشی از نقض قرارداد. یک قاعده حقوقی روشن و واضح وجود دارد که خسارت برای صدمات فیزیکی که مدعی در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده، قابل دریافت است؛ در رأی پرونده گرانت علیه شرکت با مسئولیت محدود استرالین نیتینگ میلز^۵ این قاعده تأیید شد. در این پرونده، دکتر گرانت در نتیجه پوشیدن زیرشلواری پشمی که توسط شرکت استرالین نیتینگ میلز تولید شده بود دچار آماس پوستی شد. لباس مورد بحث حاوی مقادیر بسیاری سولفیت بود. دکتر گرانت زیرشلواری را بدون این که قبل از پوشیدن بشوید به مدت یک هفته کامل استفاده کرد. شورای سلطنتی حکم محکومیت خواهان را برای جبران صدمات فیزیکی صادر کرد. اما مشکل در پرونده‌هایی است که در آن‌ها خواهان در نتیجه نقض تعهدات از پریشانی روحی و اندوه^۶ رنج می‌برد. دادگاه تجدیدنظر در پرونده واتز علیه مرو^۷ چنین تصمیم گرفت که خسارت نقض قرارداد برای چنین ضررهای غیر مالی، علی‌الاصول مطالبه‌نشده است. لیکن قاضی بینگام^۸ در همین پرونده اشاره دارد که این قاعده مطلق

۱. (Gross Profit): سود به دست آمده بدون کسر هزینه‌هایی که برای بدست آمدن این سود انجام شده است.

2. Chaplin v Hicks [1911-13] All ER 224
3. Allied Maples Group Ltd v Simmons & Simmons [1995] EWCA Civ 17
4. Non-Pecuniary Losses
5. Grant v Australian Knitting Mills Ltd [1936] AC 85
6. Mental Distress
7. Watts v. Morrow [1991] 4 All ER 937

در این پرونده زن و شوهری به نام، وات خانه‌ای را خریداری می‌کنند که بر خلاف ارزیابی‌های حین خرید، اشکالات اساسی داشت و نیازمند تعمیرات اساسی بود. خواهان‌ها مدتی بعد طلاق می‌گیرند و در دادخواست خود ذکر می‌کنند که یک علت کمک‌کننده به طلاق آن‌ها همین مسائل مربوط به تخلف فروشنده خانه و مشکلات پیش آمده ناشی از آن بوده است.
8. Bingham LJ

927: 2003). (Treitel, 2003: 927). مورد دیگر نقض تعهدات امانی است؛ مثل نماینده‌ای که رشوه دریافت می‌کند، یا در جایی که برای خرید مال برای اصیل استخدام شده، اموال خودش را به اصیل می‌فروشد؛ در این موارد، نماینده باید تمام سودی را که به دست آورده به اصیل بدهد (Treitel, 2003: 927).

خسارت اسمی^۲

در مواردی که یکی از طرفین قرارداد را نقض کرده، اما در عمل خسارتی متوجه طرف مقابل نشده باشد، مبلغ بسیار ناچیزی به صورت نمادین به عنوان خسارت تعیین می‌شود و مورد حکم قرار می‌گیرد. تعیین این نوع خسارت، برای جبران ضرر از زیان دیده نیست، بلکه برای انعکاس قبح نقض قرارداد است و جنبه نمادین دارد. در خسارت نمادین، همین اعلام دادگاه مناسب‌ترین طریق جبرانی است. البته مسلم است، این شیوه جبران خسارت و جهت ترمیمی ندارد (Treitel, 2003: 926-927). در حقوق ایران بر خلاف حقوق انگلستان، با توجه به مبانی جبران خسارتی چون لاضرر، نهادی مانند خسارت اسمی یا نمادین وجود ندارد. بنابراین صرف نقض قرارداد از جانب متعهد بدون ورود ضرر به متعهد، حق دریافت خسارتی ایجاد نخواهد کرد؛ از این روست که «لزوم ورود ضرر» از شرایط ایجاد حق دریافت خسارت در حقوق ایران است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

خسارت تنبیهی یا تریهیبی^۳

خسارات تنبیهی، اثر ترمیمی ندارد و به منظور تنبیه خواننده و جلوگیری از ارتکاب رفتار مشابه در آینده صادر می‌شوند (Fleming, 1985: 131). در واقع مسئله خسارت تنبیهی در جایی مطرح می‌شود که متعهد به نحو خسارت آمیز و غیر متعارفی قرارداد را نقض کند. این نوع خسارت‌ها استثنایی بر قاعده کلی ترمیمی بودن خسارت هستند (Geoffrey, 2001: 204). «در محاسبه این نوع از خسارات می‌بایست رفتار خواننده و خواهان توأمان مورد توجه قرار گیرد. و به ویژه به این نکته توجه شود که تعیین چه میزان خسارت برای تنبیه خواننده کفایت خواهد کرد» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۹۳). در پرونده بردفورد علیه آرورا^۴ در سال ۱۹۹۱ دادگاه تجدید نظر، علاوه بر خسارت‌های واقعی وارده شده از جمله خسارت معنوی، رأی به دریافت ۱۰۰۰ پوند بر اساس خسارت تنبیهی صادر کرد. دادگاه علت صدور چنین خسارت

فرض کنید شخصی قراردادی را منعقد می‌کند که به موجب آن ۵۰۰ پوند را برای کالایی می‌پردازد که ارزش واقعی آن ۳۰۰ پوند است. در چنین پرونده‌هایی اگر خواهان بخواهد بر اساس منافع اجرایی‌اش اقامه دعوا کند، تنها به ۳۰۰ پوند دست می‌یابد. در حالی که اگر بر اساس منافع استرداد دادخواهی نماید ۵۰۰ پوند را دریافت خواهد نمود (Mckendrick, 2005: 1062). این نوع خسارت معمولاً در جایی درخواست می‌شود که شخص، قراردادی متضمن غرر را منعقد کرده است و بر خلاف دو مورد پیش گفته مبنای ارزیابی خسارت، زیان وارده به متعهد نیست، بلکه سودی است که متعهد از نقض قرارداد به دست آورده است. به همین دلیل برخی از نویسندگان، خسارت اعاده‌ای را به عنوان ضابطه ارزیابی خسارت تلقی نمی‌کنند (Jaffey, 2008: 139).

در ابتدا این طور تصور می‌شد که ثمن پرداخت شده به عنوان خسارت استرداد زمانی قابل استرداد است که نقض کلی تعهد صورت گرفته باشد، یعنی در جایی که مدعی هیچ قسمتی از اجرا را دریافت نکرده باشد. اما بسیاری از مفسران دانشگاهی حقوق به این قاعده انتقاد کردند (Mckendrick, 1995: 280) (Birks, 1996: 179) و امروزه اغلب حقوقدانان اعتقاد دارند که پول پرداخت شده باید بر اساس نقض تعهد قابل دریافت باشد؛ چه نقض تعهد کلی باشد و چه جزئی (Mulcahy, 2008: 218).

کاربرد بسیار شایع خسارت استرداد که به خوبی نارسایی سایر انواع خسارت در حقوق انگلستان و ناکارآمدی در ضابطه جبران خسارت در حقوق ایران را نشان می‌دهد، نقض قراردادهای مالکیت‌های فکری است. در این قراردادها ممکن است با نقض در عمل زبانی به طرف دیگر قرارداد وارد نشود، یا این که ناقض بتواند درآمد بیشتری از نقض قرارداد نسبت به درآمد خواهان بدست آورد، در نتیجه در عمل زبانی به خواهان وارد نشده است، اما خواننده از نقض سود برده است. برای مثال کسی که از رازهای تجاری یا اطلاعات محرمانه دیگران بطور نادرست استفاده می‌کند، به احتمال بنابر حکم دادگاه مجبور می‌شود منافعی را که از این طریق به دست آورده است، به زیان دیده منتقل کند.

در حقوق انگلستان، خسارت استرداد مصادیق دیگری نیز دارد که به ظاهر مختص به آن نظام حقوقی است برای مثال، در صورتی که موضوع قرارداد زمین باشد، فروشنده پس از انعقاد قرارداد به عنوان امین خریدار زمین را در دست دارد و اگر زمین را دوباره به شخص ثالثی بفروشد، خریدار نسبت به درآمد فروش محق خواهد بود، حتی اگر از ضرر خودش بیشتر باشد

2. Nominal Damages

3. Declaration

4. Exemplary/ Punitive Damages

5. Bradford City Metropolitan Council v Arora [1991] 3 All ER 545

1. Giles v Edwards [1797] EngR 392

در ایجاد حق مطالبه خسارت توسط نظریه حقوقی مطرح شده است (شهیدی، ۱۳۸۳: ۸۳-۷۳).

قانونگذار در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ هم به نقش مانع اضطرار در ایجاد حق مطالبه خسارت اشاره می‌کند؛ از دو ماده باقی مانده نیز، ماده ۲۲۸ به یکی از انواع خسارت قابل جبران، یعنی خسارت تأخیر انجام تعهد را مطرح کرده و ماده ۲۳۰ به وجه التزام پرداخته است.

به نظر می‌رسد مقررات اندک و پراکنده در قوانین مختلف ایران، نمی‌تواند برای این حوزه وسیع کافی باشد به خصوص که همزمان با نیاز اقتصادی جوامع و گسترش معاملات و مبادلات بویژه در سطح بین‌المللی، مسئله خسارت و ضابطه ارزیابی آن نیز اهمیت خاصی یافته است. این امر، اصلاح ساختاری قوانین ایران و تنظیم نظامی جامع برای خسارت نقض تعهد قراردادی را ضروری می‌سازد.

بر این اساس، ابتدا باید انواع خسارت قابل جبران در حقوق ایران با صراحت مشخص گردد. دو مصداق بارز آن تصمیم‌گیری در خصوص عدم النفع و خسارات معنوی هستند که قانونگذار با قاطعیت در مورد آن‌ها عمل نکرده است. در باب عدم النفع وجود ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق^۱، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ با نگاهی بر قول مشهور فقهی که عدم النفع را قابل مطالبه نمی‌داند (نراقی، ۱۳۶۹: ۵۰)، اختلافات نظری بسیاری را در باب قابل مطالبه بودن یا نبودن عدم النفع برانگیخت و تفسیرهای زیادی را به دنبال داشت. (سامت، ۱۳۷۷: ۶۳-۵۴) با گذر از همه اختلافات، عملکرد قانونگذار برگرفته از نظر مشهور فقهی، مبنی بر عدم قابلیت مطالبه عدم النفع مخالف اصل جبران کامل خسارت است و با رویه فعلی بین‌المللی نیز مطابقت ندارد؛ توضیح این که معتبرترین اسناد بین‌المللی به صراحت عدم النفع را در زمره خسارت‌های قابل جبران آورده‌اند؛ ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا^۳، بند ۱ ماده ۲-۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۴ و ماده ۹:۵۰۲ اصول

تنبیهی را نقض قرارداد استخدام بر اساس تبعیض جنسیتی و نژادی از سوی کارفرما اعلام کرد. در خصوص وجود یا عدم وجود چنین خسارتی در مورد نقض تعهدات قراردادی در نظام حقوقی انگلستان میان صاحب نظران اختلاف وجود دارد که اغلب از بحث اختلاط وظایف حقوق مدنی و حقوق جزا نشأت می‌گیرد. به هر حال، با توجه به این که این خسارات ماهیت جبرانی و ترمیمی ندارد، به جزئیات مبحث خسارات تنبیهی ورود پیدا نمی‌کنیم.

به نظر می‌رسد در حقوق ایران، دریافت چنین نوع خسارتی در نقض تعهدات قراردادی پیش‌بینی نشده است، اما در وجه التزام که توافق طرفین در میزان خسارت ناشی از نقض قرارداد است، چنانچه این خسارت به میزان قابل توجهی بیش از خسارت‌هایی که پیش‌بینی می‌شود از نقض قرارداد حاصل گردد تعیین شود، همین وجه التزام جنبه جبرانی خود را از دست می‌دهد و بیشتر جنبه تنبیهی می‌یابد. برای مثال، شخصی قراردادی برای نقاشی منزلش در ازای ۱۰ واحد ارزش، منعقد می‌کند و مقرر می‌دارد چنانچه هرگونه تأخیری رخ دهد باید روزانه ۱ میلیون واحد ارزش به وی پرداخته شود. از این رو است که تعدادی از حقوقدانان اعتقاد دارند که چنین وجه التزام‌هایی که بیشتر جنبه جزایی می‌یابند، قابل تعدیل هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۲۱۳؛ ۲۷۲-۲۷۱) و می‌توان با استناد به بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی از جنبه تنبیهی و جزایی این شروطی که ناظر به ضمانت اجرای نقض قرارداد می‌باشند کاست (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

انواع جبران خسارت (نقض تعهدات قراردادی) در حقوق ایران

مباحث مربوط به خسارت حاصل از عدم اجرای تعهدات در قانون مدنی ایران در مبحث دوم از فصل سوم، «اثر معاملات»، جای گرفته است. متأسفانه مواد اندکی که در این مبحث، به آن اشاره شده «مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰» صرفاً برخی شرایط، موانع و آشکال دریافت خسارت را به اجمال بیان می‌کنند.

در ماده ۲۲۶ قانونگذار شرایط دریافت خسارت را - آن هم نه به گونه‌ای جامع - تعیین کرده است؛^۱ این در حالی است که مواردی چون ورود ضرر، وجود رابطه سببیت، قطعیت، قابلیت پیش‌بینی و مستقیم بودن به عنوان دیگر شرایط دخیل

۱. «در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از دو طرف معامله، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید، مگر این که برای ایفاء تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد. اگر برای ایفاء تعهد، مدتی مقرر نباشد طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده باشد و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است.»

۲. «در مورد ماده فوق در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که به او ضرر وارد شده و این ضرر بدون واسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است. ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است.»

۳. «... ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می‌باشد:

۲... - منافی که ممکن الحصول بوده...»

4. CISG Article 74: "Damages for breach of contract by one party consist of a sum equal to the loss, including loss of profit, suffered by the other party as a consequence of the breach ...".

5. PICC 2010 Article 7.4.2: "The aggrieved party is entitled to full compensation for harm sustained as a result of the non-performance. Such harm includes both any loss which it suffered and any gain of which it was deprived, taking into account any gain to the aggrieved party resulting from its avoidance of cost or harm. ..."

حقوق قراردادهای اروپایی^۱ از این دست هستند.

در باب خسارات معنوی نیز وجود مواد ۲۱۲ قانون مجازات عمومی^۲، ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۲^۳، ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۳۹ و اصل ۱۷۱ قانون اساسی در خصوص پذیرش خسارت معنوی از یک سو و نظرات شورای نگهبان در مورد غیر شرعی بودن دریافت خسارات معنوی منعکس شده در تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، اختلافات بسیاری را در این زمینه ایجاد کرده است، البته رویه قضایی با توجه به عملکرد قانونگذار در ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری و نظرات شورای نگهبان تاکنون قائل بر عدم پذیرش خسارات معنوی بوده است. این مورد نیز بر خلاف رویه پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی است؛ برای مثال بند ۲ ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^۴ و نیز بند ۲ ماده ۵۰۱:۹۰ اصول حقوق قراردادهای اروپایی خسارت معنوی را قابل دریافت دانسته‌اند. تمامی این ابهامات و عدم صراحت‌ها در خصوص انواع خسارت قابل جبران در حقوق ایران، در حالی است که لحن قانونگذار در ماده ۲۲۱ قانون مدنی به گونه ایست که حتی اصل وجود حق دریافت خسارت را با نگاه تردیدآمیزی مواجه ساخته است؛ به موجب این ماده: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد در عرف به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد».

قانونگذار در این ماده، پذیرش حق دریافت خسارت را مشروط به تصریح قراردادی یا پیش‌بینی در قانون و عرف نموده است؛ به تعبیر یکی از حقوقدانان «خسارت نتیجه قهری تقصیر قراردادی نیست» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۴)؛ حال آن که ایجاد این حق، با وجود شرایط و فقد موانع، با گذر از اجرای اجباری عین

تعهد، باید امری حتمی باشد و نه مشروط. در واقع قانونگذار به جای این که حق دریافت خسارت را در چنین شرایطی اصل تلقی کند، آن را به عنوان امری استثنایی مطرح ساخته است؛ استثنایی که به نظر می‌رسد، دست کم در داوری عرف با تخصیص اکثر مواجه شود.

این نوع نگاه قانونگذار یعنی استثنایی قلمداد کردن حق مطالبه خسارت، البته نه نسبت به اجرای اجباری عین تعهد، بلکه در موارد تعدد اجرا، آن هم نسبت به مقوله‌ای که در ترازوی سنجش کارایی طرق جبرانی نقض تعهد، در بسیاری از موارد روشی بهینه‌تر و کارآمدتر است، ضعف اساسی محسوب می‌گردد.

برای ساختارمند نمودن خسارت نقض تعهد قراردادی -همان طور که گفته شد- ابتدا باید قانونگذار وضعیت انواع خسارت‌های قابل جبران را روشن کند. پس از آن باید ضابطه ارزیابی این خسارت‌های مطالبه شدنی ارائه گردد، تا از حالت سلیقه‌ای و قابل پیش‌بینی نبودن خارج شود تا طرفین قرارداد بتوانند به درستی، خطرپذیری قراردادی و حدود و اندازه آن را ارزیابی کنند و بتوانند از طریق ابزارهایی، مانند بیمه آن را پوشش دهند. در غیر این صورت، با مبهم گذاشتن ضابطه ارزیابی در عمل امکان تخصیص و یا پوشش بهینه خطرپذیری به علت عدم قابلیت پیش‌بینی غیر ممکن می‌شود. این مهم به، خصوص در روابط تجار در عرصه داخلی و بین‌المللی اهمیت بسیار دارد.

محدودیت‌های مطالبه خسارت

زیان‌دیده نمی‌تواند در هر شرایطی خسارت دریافت کند؛ زیرا حقوق، محدودیت‌های متنوعی را در این خصوص ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها، گاه ذاتی و گاه مربوط به قواعد معمول اثباتی است برای مثال، خواهان باید اثبات کند که خوانده مفاد قرارداد را نقض کرده است و... در این قسمت، با مبنا قرار دادن حقوق انگلستان، چهار نظریه که هر کدام مبین یکی از محدودیت‌های مطالبه خسارت هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بعید بودن^۶

بر اساس یک قاعده، خواهان نمی‌تواند در رابطه با ضرری که از نتیجه نقض قرارداد توسط خوانده خیلی دور و بعید است، خسارت دریافت نماید. در واقع، می‌توان گفت خسارات باید قابل انتساب به متعهد ناقص باشند (Stone, 2003: 211). تشخیص

1. PECL Article 9:502: "... Such damages cover the loss which the aggrieved party has suffered and the gain of which it has been deprived."

۲. «هر کس مرتکب یکی از جرم‌های مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازات مقرر به تأدیة خسارت معنوی مجنی علیه که در هر حال کمتر از پانصد نخواهد بود محکوم می‌شود».

۳. «در صورت تقاضای متضرر از جرم دادگاه با توجه به نوع جرم و میزان آن و حیثیت طرف به عنوان خسارت معنوی او را به پرداخت مبلغی که متناسب بداند محکوم خواهد نمود که به مشارالیه بپردازد».

4. PICC 2010 Article 7.4.2: "...Such harm may be non-pecuniary and includes, for instance, physical suffering or emotional distress."

5. PECL Article 9:501: "...(2) The loss for which damages are recoverable includes:(a) non-pecuniary loss; and (b) future loss which is reasonably likely to occur."

بود و صرفاً می‌خواست می‌لنگ شکسته را برای سازنده آن پس بفرستد (Mckendrick, 2005: 1079-1080). در این حالت به یقین بحث دریافت خسارت منافع ۵ روزه آسیاب مطرح نمی‌شود. لذا از آن جایی که از اطلاعاتی محدودی که به خواننده داده شده بود تصور توقف کامل آسیاب نمی‌رفت، لذا به پرداخت خسارت تعطیلی ۵ روزه آسیاب حکم داده نشد.

پرونده ویکتوریا لاوندری علیه نیومن اینداستریز^۲:

خواهان‌ها، قراردادی را برای خرید یک دیگ بخار بزرگ از خواننده برای استفاده در خشک‌شویی شان منعقد کردند. در زمان انعقاد قرارداد، دیگ بخار در ساختمان مربوط به خواننده نصب شده بود و بنابراین لازم بود که قبل از تحویل به خواهان، شود. دیگ بخار در حین جداسازی خسارت زیادی دید. در نتیجه ۵ ماهه در تحویل تأخیر شد. خواننده می‌دانست که خواهان‌ها خشک‌شویی دارند و می‌خواهند دیگ بخار را در آنجا مورد استفاده قرار دهند. در طی مذاکرات نیز خواهان‌ها به قصدشان مبنی بر استفاده از دیگ بخار در کوتاه‌ترین زمان ممکن تصریح کرده بودند؛ لذا خواهان‌ها برای دریافت خسارت اقامه دعوا کردند. قاضی محکمه این طور تصمیم گرفت که خواهان مستحق دریافت خسارت در رابطه با ضرر منافعتشان در طی دوره تأخیر نیستند، چرا که دیگ بخار دستگامی کامل نبوده که به خودی خود قابلیت استفاده به عنوان یک ماشین سودآور را داشته باشد. پرونده‌های دیگری هم در این زمینه در خور توجه هستند، از آن جمله پرونده شرکت با مسئولیت محدود چزارینکو علیه کفوس^۳ و نیز پرونده پارسونز علیه اتلی اینگام^۴.

ضررهایی که خیلی بعید و از این جهت دریافت نشدنی هستند، از ضررهای دریافت شدنی گاه بسیار مشکل است. قاعده‌ای که در پرونده هدلی علیه بکسندال وضع شد این بود که در این مورد، در دو حالت خسارت قابل دریافت است:

زیان‌هایی که به طور طبیعی از نقض قرارداد ناشی می‌شود. زیان‌هایی که در ذهن هر دو طرف در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته است (آگاهی).

آگاهی طرفین قرارداد، از نتایج نقض قرارداد که معیار شناسایی بعید بودن یا نبودن آن‌ها قرار می‌گیرد، در زمان انعقاد قرارداد ملاک است، چرا که با آگاهی از چنین نتایجی در زمان انعقاد قرارداد، ممکن است طرفین مفاد قرارداد خود را به گونه‌ای دیگر تنظیم کنند؛ برای مثال قیمت را افزایش دهند، یا شرط عدم مسئولیت بگذارند یا خطرات احتمالی را بیمه کنند یا به طور کلی از انعقاد چنین قراردادی صرف نظر کنند (Stone, 2002: 447). در ادامه به معرفی چند پرونده مهم انگلستان در ارتباط با نظریه بعید بودن خواهیم می‌پردازیم.

پرونده هدلی علیه بکسندال^۱:

خواهان که مالک آسیاب بود، قراردادی را برای حمل یک میل لنگ موتور شکسته شده آسیاب، به کارگاه مهندس ثالثی به منظور تعمیر آن با خواننده (متصدی حمل و نقل) منعقد کرد. خواننده همچنین متعهد شد که پس اتمام تعمیرات میل لنگ مذکور را به آسیاب بازگرداند.

خواننده با نقض قرارداد در تحویل میل لنگ به مهندس تعمیرکننده تأخیر می‌کند و این تأخیر منجر به این می‌شود که تولید آسیاب برای ۵ روز دیگر متوقف شود، خواهان برای ضرر منافع ۵ روزه که آسیاب در نتیجه نقض قرارداد از سوی خواننده تعطیل بوده اقامه دعوی خسارت می‌کند، اما دادگاه تصمیم می‌گیرد به علت این که خواننده در هنگام انعقاد قرارداد نمی‌توانسته چنین نتایجی را پیش‌بینی کند، لذا ضرر منافع از دست رفته نسبت به نتایج نقض قرارداد بسیار بعید است. بنابراین خسارت دریافت‌شدنی نیست؛ زیرا خواهان در هنگام انعقاد قرارداد فقط به اطلاع خواننده رسانده بود، که این محموله میل لنگ شکسته آسیاب است و خواهان، صاحب و بهره‌بردار آسیاب است. چنین اطلاعاتی چگونه می‌توانست نشان دهد که در صورت تأخیر در تحویل میل لنگ به شخص ثالث، منافع آسیاب به طور کامل متوقف می‌شود؟ تصور کنید که خواهان، دارای میل لنگ دیگری بود که به جای میل لنگ شکسته قرارداده

2. Victoria Laundry (Windsor) Ltd v Newman Industries Ltd [1949]

1 All ER 997

3. C Czarnikow Ltd v Koufos (The Heron II) [1967] UKHL 4

خواهان کشتی خواننده را برای حمل ۳۰۰۰ تن شکر به بصره اجاره کرد. در نقض قرارداد، کشتی ۹ روز دیرتر به مقصد رسید. خواهان قصد داشت که شکر را در بصره به فروش برساند، این در حالی بود که به هنگام رسیدن کشتی، بازار شکر از ۳۲ پوند و ۱۰ سنت در هر تن به ۳۱ پوند و ۲ سنت در هر تن کاهش یافته بود. لذا خواهان به خواسته تفاوت قیمت به عنوان خسارت علیه خواننده اقامه دعوا کرد. قاضی دادگاه اظهار کرد که اگرچه خواننده نمی‌دانسته که خواهان قصد انجام چنین کاری با شکر را دارد (فروش)، اما می‌دانسته که بازاری برای شکر در بصره وجود دارد. با وجود قاضی این با این استدلال که به طور منطقی برای خواننده قابل پیش‌بینی نبوده که تأخیر در تحویل ممکن است ضرری در پی داشته باشد، ادعای خواهان را رد کرد. اما دادگاه تجدید نظر این تصمیم را نقض کرد و حکم داد که ضرر رسیدن به علت کاهش قیمت در بازار، زیاد بعید نیست. مجلس اعیان، به اتفاق آراء تصمیم دادگاه تجدید نظر را تأیید نمود

4. H Parsons (Livestock) Ltd v Uttley Ingham & Co Ltd [1977] EWCA Civ 13

شرکت خواننده قراردادی را برای تأمین و نصب یک محفظه خوراک فلزی استوانه‌ای شکل، برای مزرعه خوک خواهان منعقد کرد. در واقع خواهان‌ها قصد داشتند خوراک خوک بفروشند. وقتی که آن‌ها محفظه خوراک خوک

1. Hadley v Baxendale [1854] EngR 296

قابلیت پیش‌بینی^۱ که نقطه مقابل بعید بودن خسارت است در حقوق ایران نیز به عنوان یکی از شرایط ایجاد حق مطالبه خسارت معرفی شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۹-۲۱۷) (شهیدی، ۱۳۸۳: ۸۲-۷۹).

نظریه تخفیف^۲

طبق این نظریه، مدعی باید اقدامات عقلانی و منطقی را برای کم کردن ضرر ناشی از نقض پیش‌بینی، بردارد. برای مثال در مواردی که مدعی به شیوه عقلانی می‌تواند اجرای جایگزین را در بازار برگزیند، باید به بازار برود و آن را اختیار کند؛ او نمی‌تواند بنشیند و منتظر بماند تا خواننده قرارداد را اجرا کند. گفته می‌شود که مدعی وظیفه تخفیف یا کاهش خسارت هایش را دارد، اما این لغات می‌توانند گمراه کننده باشند؛ در واقع، مدعی وظیفه کاهش خسارت هایش را دارد. در این مفهوم که او در صورت تصور در انجام این کار - البته در رابطه با ضررهای قابل اسناد به قصورش - نمی‌تواند خسارت دریافت کند.

دو جنبه برای نظریه تخفیف ذکر شده است:

الف) مدعی نباید به طور غیر منطقی، ضرری را که در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است افزایش دهد.^۳

مدعی باید به شیوه عقلانی اقدامات لازم را برای کاهش ضررش پیش‌بینی کند. البته لازم است که او فقط عقلانی رفتار کند از این جهت، حقوق مطالبه سنگین و پرزحمتی برای او ایجاد نمی‌کند؛ در واقع، خواننده به عنوان نقض کننده قرارداد در وضعیتی قرار ندارد که از دادگاه یک تقاضای سنگین و پر

را نصب کردند، خوانندگان اطلاع ندادند که هواکش بالای محفظه خوراک بسته است. خواننده محفظه خوراک را با بادام زمینی پر کردند و با آن‌ها به خوک‌ها غذا دادند. در نتیجه نبود هواکش، بادام زمینی‌ها با گذشت زمان شروع به کپک زدن کردند. به تدریج، خوک‌ها شروع کردند به بروز دادن نشانه‌هایی از بیماری؛ و سرانجام خواننده‌ها نبود هواکش را در محفظه خوراک کشف کردند.

آن‌ها در طرح دعویشان استدلال کردند که تعداد زیادی از خوک‌هایشان در نتیجه خوردن بادام زمینی فاسد و تعداد ۲۵۴ خوک در نتیجه شیوع بیماری از بین رفته‌اند. آن‌ها همچنین هزینه قابل توجهی را برای مقابله با بیماری متحمل شده‌اند؛ و نیز زیان منافع قابل توجهی را از دست داده‌اند. خوانندگان معتقد بودند که ضرر منافع نسبت به نتایج نقض قرارداد بسیار بعید بوده است. دادگاه تجدید نظر خوانندگان را مسئول بیماری و مرگ خوک‌ها دانست، البته قاضی دلایل متفاوتی برای پذیرش این ادعا ارائه کرد.

1. Forcibility
2. Mitigation

۳. رجوع کنید به پرونده:

Banco de Portugal v Waterlow & Sons Ltd [1932] UKHL 1

۴. رجوع کنید به پرونده:

Pilkington v Wood [1953] 2 All ER 810

زحمت از خواهان را درخواست کند.

البته وظیفه کاهش خسارت صرفاً در جایی است که متضرر از نقض قرارداد آگاهی داشته باشد در نتیجه صرف بی‌احتیاطی او در کشف نقض تعهد نمی‌تواند حق او را به دریافت خسارت مستند به عدم انجام وظیفه کاهش خسارت از بین ببرد (Treitel, 2003: 977).

نظریه تخفیف همانطور که قاضی تاملینسون^۴ گفته است پذیرش یک دیدگاه نرم در حقوق قراردادهای نسبت به کسانی است که با نقض قرارداد در محصله قرار می‌گیرند.^۵

این نظریه می‌تواند ضرورت توجه طرف بیگانه و به احتمال پذیرش ایجاب یک اجرای جایگزین بوسیله طرف نقض کننده را توجیه کند؛ در یکی از پرونده‌های معروف در این رابطه^۶ خوانندگان به موجب قراردادی موافقت کردند که مقداری ابریشم را به خواهان‌ها بفروشند و تحویل کالا به صورت اقساطی و چند مرحله‌ای باشد. در قرارداد، مقرر شده بود که پرداخت ثمن باید یک ماه پس از تحویل هر قسمت مبیع انجام شود. خواهان‌ها نتوانستند اولین قسط را در زمان مقرر پرداخت کنند؛ این امر موجب شد که خوانندگان به اشتباه نتیجه گیری کنند که خواهان‌ها قادر به پرداخت هیچ یک از اقساط نیستند (این در حالی بود که علت تأخیر در پرداخت، صرفاً مشکل در گرفتن چک امضا شده بوسیله یکی از مدیران خواهان‌ها بود). به دلیل ترس از مواجه شدن با ورشکستگی خواهان‌ها، خوانندگان طی اطلاعیه‌ای اظهار کردند که آن‌ها هیچ تحویل بیشتری انجام نخواهند داد، مگر اینکه خواهان‌ها برای هر قسط مبیع در هنگام تحویل وجه نقد پرداخت کنند. خواهان‌ها چنین شرطی را نپذیرفتند. آن‌ها به خواسته خسارت اقامه دعوا کردند و به دنبال دریافت تفاوت قیمت بین قیمت قرارداد و قیمت رایج در بازار ابریشم بودند (در آن زمان قیمت کالا در بازار در حال افزایش بود).

دادگاه حکم داد که خواهان‌ها حق دریافت تفاوت قیمت را ندارند؛ چرا که آن‌ها از پذیرش پیشنهاد خوانندگان مبنی بر تأمین ابریشم در مقابل وجه نقد، خودداری کرده بودند و این امر، نوعی قصور در تخفیف ضرر تلقی شد. قاضی پرونده چنین اظهار کرد که در پرونده‌ای که شامل قرارداد تجاری است، منطقی است که از یکی از طرفین، انتظار داشته باشیم که پیشنهادی منطقی ارائه شده توسط طرف نقض کننده قرارداد را بررسی کند و بپذیرد.

5. Tomlinson

۶. در پرونده:

Britvic Soft Drinks Ltd v Messer UK Ltd [2002] 1 Lloyd's Rep 20

7. Payzu Ltd v Saunders [1919] 2 KB 581

مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان (تقصیر زیان‌دیده)^۴

سؤال اساسی این قسمت این است که آیا امکان کاهش خسارت قابل پرداخت به خواهان بر اساس بی‌مبالاتی وی وجود دارد یا خیر؟

در انگلستان به موجب قانون^۵ ۱۹۴۵ یک قاعده تثبیت شده وجود دارد و آن، اینکه در مسئولیت‌های غیر قراردادی امکان دارد که خسارت قابل دریافت از زیان‌زننده به وسیله قصور زیان‌دیده کاهش یابد. سؤال این است که آیا این قاعده در مسئولیت‌های قراردادی قابل اعمال است یا خیر؟ مجلس اعیان انگلستان با توجه به قانون فوق‌الذکر در پرونده فرسیکرنگساکتایزلسکپت وستا علیه بوچر^۶ در خصوص قابلیت اعمال این قاعده در مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد سه حالت مختلف را از هم تفکیک کرد و حکم هر فرض را مشخص می‌نماید.

مسئولیت خواننده ناشی از نقض یک تعهد قراردادی باشد که به تقصیر در اعمال مراقبت متعارف وابسته نیست؛ به عبارت دیگر، نقض صرفاً ماهیتی قراردادی دارد و نقض یک تعهد صرفاً قراردادی است و اگر قراردادی وجود نداشته باشد، نمی‌توان این عمل را تقصیر دانست. در این حالت، خواننده نمی‌تواند برای کاهش مسئولیت خود به مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان استناد کند. این قاعده، در پرونده بارکلیز بانک پی ال سی علیه شرکت با مسئولیت محدود فیرکلاف بیلدینگ^۷ تأیید شد.

مسئولیت خواننده ناشی از نقض یک تعهد قراردادی صریح با موضوع اعمال مراقبت متعارف باشد، که هیچ ارتباطی با تعهدی که مستقل از قرارداد باشد ندارد؛ به عبارت دیگر، اگر قرارداد نبود این امر به عنوان وظیفه‌ای عمومی برای وی وجود نداشت. در این فرض نیز خواننده نمی‌تواند برای کاهش مسئولیت خود به مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان استناد کند.

مسئولیت ناشی از نقض قرارداد، مشابه و همسان مسئولیت غیرقراردادی باشد، به گونه‌ای که اگر قرارداد هم موجود نبود، خواننده برای عمل خود برای مسئولیت غیر قراردادی مسئول تلقی می‌شد؛ به عبارت دیگر، عمل وی مستقل از قرارداد نیز تقصیر محسوب می‌گردد. در این فرض، مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان، به عنوان یک دفاع برای کاهش دامنه مسئولیت خواننده قابل استناد خواهد بود. رأی مجلس اعیان در پرونده شرکت با مسئولیت محدود پلتفرم هوم لونز علیه شرکت با مسئولیت محدود اویستون

آخرین نکته‌ای که باید در ارتباط با نظریه تخفیف در حقوق انگلستان ذکر شود، این است که این نظریه را می‌توان به عنوان بخشی از این اصل وسیع‌تر در نظر گرفت که «خواهان می‌بایست متعارف رفتار کند»^۱. لرد لوید^۲ نیز در پرونده روکسلی^۳ نپذیرفت که متعارف بودن منحصر به نظریه تخفیف شود. بلکه تعهد به رفتار متعارف می‌تواند به موضوعاتی همچون معیار جبران خسارتی که خواهان مستحق آن است، گسترش یابد (Mckendrick, 2005: 1101).

گرچه قانونگذار ایران به صراحت نظریه تخفیف را به مثابه قاعده‌ای که در سایر نظام‌های حقوقی - به ویژه کشورهای دارای نظام کامن‌لا- پذیرفته شده، شناسایی نکرده است، اما می‌توان نشانه‌هایی از پذیرش این نظریه را در حقوق ایران یافت و بر اساس آن مسئولیت متعهد متخلف به جبران خسارت را تقلیل داد. از آن جمله است:

ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶: «بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتاً هرکس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به عمل آورد. اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه‌گر را مطلع سازد در غیر اینصورت بیمه‌گر مسئول نخواهد بود، مگر آنکه بیمه‌گذار ثابت کند که به واسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است، اطلاع به بیمه‌گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است. مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از گسترش خسارت می‌نماید، بر فرض که نتیجه‌ای در پی نداشته باشد به عهده بیمه‌گر خواهد بود، ولی هر گاه بین طرفین در موضوع لزوم مخارج مزبور یا تناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود، حل اختلاف به حکم یا محکمه رجوع می‌شود».

بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: ... ۳- وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد».

4. Contributory Negligence

5. The Law Reform (Contributory Negligence) Act 1945

6. Forsikringsaktieselskapet Vesta & Ors v. Butcher [1989] UKHL 5

7. Barclays Bank plc v Fairclough Building Ltd [1994] EWCA Civ 3

1. A claimant must act reasonably.

2. Lord Lloyd

3. Ruxley Electronics & Construction Ltd v Forsyth [1995] UKHL 8

شیپویز و دیگران^۱ نمونه‌ای از اعمال این قاعده است.

در حقوق ایران به قصور زیان‌دیده نه به عنوان مانع ایجاد حق دریافت خسارت بلکه به عنوان محدودیت احتمالی در دریافت میزان کامل خسارت (تخفیف میزان خسارت) می‌توان پرداخت. طبق ماده ۲۲۷ ق.م: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیة خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط نمود». بر اساس این ماده، اجرا نشدن قرارداد خود اماره‌ای بر تقصیر متعهدله است بنابراین او باید ثابت کند که بنا به عللی خارج از حیطه اختیار او - مانند تقصیر خود زیان‌دیده - تعهد قراردادی اجرا نشده است.

قوة قاهره

بدیهی است در کنار سه مورد مذکور، ورود زیان بر اثر قوة قاهره نیز هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان از موانع ایجاد حق مطالبه خسارت است که در کتب حقوقی گاه ذیل عنوان قابلیت انتساب^۲ مطرح می‌شود؛ طبق ماده ۲۲۹ ق.م: «اگر متعهد به واسطه حادثه که رفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیة خسارت نخواهد بود». ماده ۲۲۱ ق.م نیز که مبنای مطالبه خسارت در حقوق ایران است، متعهد را تنها در صورت تخلف مسئول خسارت‌های وارد شده می‌داند، حال آنکه در حالت تأثیر قوة قاهره هیچ‌گونه تخلفی به وی منتسب نیست.

نتیجه‌گیری و بحث

همه نظام‌های حقوقی به دنبال جبران کامل خسارت هستند؛ در این راستا به دلیل اولیه بودن طریق جبرانی خسارت در میان سایر طرق جبرانی در انگلستان، نظام حقوقی این کشور به تعیین ضوابط دقیقی مبادرت ورزیده که تعیین خسارت کامل بر اساس آن‌ها قاعده مندتر و دقیق‌تر است؛ به دست دادن معیارهای ارزیابی چون خسارت متوقع، اتکایی و اعاده‌ای با مؤلفه‌ها و زیرمجموعه‌های مشخص، و تعیین دقیق موانع و شرایط ایجاد حق مطالبه خسارت، قسمتی از این ساختار قاعده‌مند است. در مقابل، حقوق ایران در مواجهه با مسئله خسارت به کلی‌گویی بسنده کرده است؛ قانونگذار ایران نه تنها انواع خسارت قابل

جبران را به صراحت تعیین نکرده است، بلکه حتی در موارد تعیین‌شده نیز ضابطه ارزیابی خسارت را به دست نمی‌دهد؛ این در حالی است که انگار قانونگذار اصل وجود طریق جبرانی خسارت را در نقض تعهدات قراردادی نیز با قاطعیت در نظر نگرفته است.

برای اصلاح وضع موجود و همگام‌سازی آن با تحول نظام‌های مختلف حقوقی در مواجهه با مسئله طریق جبرانی نقض تعهد، قانونگذار ایران می‌تواند با بهره‌برداری از دستاوردهای حقوق تطبیقی در حوزه حقوق قراردادی، نظامی جامع در مورد خسارت نقض تعهدات قراردادی ایجاد کند. برای رسیدن به این منظور در وهله اول باید انواع خسارت قابل جبران در حقوق ایران مشخص گردد و قانونگذار نظر قطعی خود را در خصوص مواردی، از قبیل عدم النفع، خسارت معنوی و... اعلام نماید. در مرحله دوم باید ضوابط و معیارهای ارزیابی خسارت ارائه شود؛ زیرا از یک سو قاضی ایرانی در ارزیابی خسارت نباید از منظر قانونی چنان بی‌ضابطه و ملاک باشد که در حد یک کارشناس تنزل یابد و از سوی دیگر، نباید حدود ارزیابی خسارت نقض قراردادی را چنان صلاح‌دیدگی کرد که پیش‌بینی نشدنی باشد و در نتیجه نتوان این خطر پذیری‌ها را حذف کرد، یا با ابزارهایی، از قبیل بیمه پوشش داد.

منابع

سامت، محمد علی. (۱۳۷۷). «فوت منفعت یا عدم النفع در حقوق ایران و اسلام». مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۴۲ زمستان. صص ۵۳-۷۶.

شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). حقوق مدنی - آثار قراردادها و تعهدات. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

عبداللهی، محسن. (۱۳۸۳). «خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل». مجله حقوقی - نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۳۰ بهار. صص ۸۵-۱۱۸.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع. چاپ یازدهم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها (جلد چهارم - اجرای قرارداد). چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۶۹). عوائد الایام من مهمات ادله الاحکام، عاذه چهارم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

Birks, Peter. (1996). "Failure of Consideration" in *Consensus Ad Idem: Essays in the Law of Contract in Honour*

1. Platform Home Loans Ltd v. Oyston Shipways Ltd and Others [1999] UKHL 10
2. Causation

- Banco de Portugal v Waterlow & Sons Ltd* [1932] UKHL 1
Barclays Bank plc v Fairclough Building Ltd [1994] EWCA Civ 3
Blackpool Fylde Aero Club Ltd v Blackpool BC, [1991] WLR 1195
Bradford City Metropolitan Council v Arora [1991] 3 All ER 545
Britvic Soft Drinks Ltd v Messer UK Ltd [2002] 1 Lloyds Rep 20
C Czarnikow Ltd v Koufos (The Heron II) [1967] UKHL 4
Chaplin v Hicks [1911-13] All ER 224
Farley v Skinner [2001] UKHL 49; [2002] 2 AC 732
Forsikringsaktieselskapet Vesta & Ors v. Butcher [1989] UKHL 5
Giles v Edwards [1797] EngR 392
Grant v Australian Knitting Mills Ltd [1936] AC 85
H Parsons (Livestock) Ltd v Uttley Ingham & Co Ltd [1977] EWCA Civ 13
Hadley v Baxendale [1854] EngR 296
McRae v Commonwealth Disposals Commission (1951) 84 CLR 377
Naughton v O'Callaghan [1990] 3 All ER 191
Payzu Ltd v Saunders [1919] 2 KB 581
Pilkington v Wood [1953] 2 All ER 810
Platform Home Loans Ltd v. Oyston Shipways Ltd and Others [1999] UKHL 10
Ruxley Electronics & Construction Ltd v Forsyth [1995] UKHL 8
Victoria Laundry (Windsor) Ltd v Newman Industries Ltd [1949] 1 All ER 997
Watts v. Morrow [1991] 4 All ER 937
- of Guenter Treitel*, D. Rose, F. Francis (ed), Sweet & Maxwell.
 Fleming John G.(1985). *An Introduction to the Law of Torts*. Clarendon Press.
 Friedmann, Daniel (1995). *Good Faith and Remedies for Breach of Contract*. Chapter 16 in Beatson. J and Friedmann. Daniel (eds). *Good Faith and Fault in Contract Law*. Clarendon Press.
 Fuller, Lon L. & Perdue. William R. (1936). *The Reliance Interest in Contract Damages*. 46 Yale Law Journal 52.
 Geoffrey ,Samuel. (2001). *Law of Obligations and Legal Remedies*. Second Edition. Cavendish Publishing Limited.
 Jaffey, Peter. (2008). *Damages and the Protection of Contractual Reliance*. in *Contract Damages- Domestic and International Perspectives*. Saidov. Djakhongir and Cunnington. Ralph (eds). Hart Publishing.
 McKendrick, Ewan. (1995). *Total Failure of Consideration and Counter Restitution: Two Issues or One?*. chapter 8 of "Laundering and Tracing". Birks. Peter (ed). Clarendon Press.
 Mckendrick, Ewan. (2005). *Contract Law (Text, Cases, and Materials)*. Second edition. Oxford University Press.
 Stone, Richard (2002). *The Modern Law of Contract*. 5th edition. Cavendish Publishing Limited.
 Stone, Richard. (2003). *Contract Law (Q&A Series)*. 5th edition. Cavendish Publishing Limited.
 Mulcahy, Linda. (2008). *Contract Law in Perspective*. 5th edition. Rutledge-Cavendish.
 Treitel, Guenter. (2003). *The Law of Contract*. 11th Edition. London: Sweet & Maxwell.
- پرونده‌های مورد استناد:^۱**
Allied Maples Group Ltd v Simmons & Simmons [1995] EWCA Civ 17
Anglia Television Ltd. v. Reed, [1971] 3 All E.R. 690

۱. در ارجاع دهی به پرونده جهت سهولت و یکسانی بازبایی سعی شده اکثراً از مجموعه‌های معتبری همچون All England Law Reports Weekly و United Kingdom House of Lords Decisions و Law Reports استفاده شود.